

مقدمه ناشر

وقتی به لغت «جمع» فکر می‌کنید یاد چیا می‌افتد؟ احتمالاً قبل از همه یاد اون عمل ریاضی. خب، از همینجا شروع کنیم. اگه هزارتا سیب رو با هم جمع کنیم، چی می‌شه؟ می‌شه گفت هیچی! خب هزارتا سیب داریم دیگه و هر کدوم از این سیب‌ها چه کنار ۹۹۹ تا سیب دیگه باشه چه تنها باشه نه رنگش عوض می‌شه، نه طعمش، نه اندازه‌اش و نه هیچ ویژگی دیگه‌ایش. اگرم از اون جمع جداشه شکست عشقی نمی‌خوره! هزارتا مهره شترنج چی؟ اگه کنار هم جمیع شوون کنیم ویژگی جدیدی پیدا نمی‌کنن؟ مثلاً اسب‌ها می‌گن حالا که تعدادمون زیاد شد دیگه مهره شترنج نباشیم و بایم گل کوچیک بازی کنیم؟ فک نکنم!

اما اگه هزارتا آدم هم جمع شن چی؟ هر آدمی کنار ۹۹۹ تای دیگه، همونیه که تو تنها‌ی خودشه؟ حتماً نه! جمع، حتی در ریاضی‌وارترين شکل خودش، وقتی موضوعش انسان باشه یه تفاوت اساسی پیدا می‌کنه. دیگه فقط یه عمل خشک ریاضی نیس، هویت پیدا می‌کنه، روح پیدا می‌کنه، قواعد و آداب پیدا می‌کنه و

آدمیزاد هر جا که پاش می‌رسه همه قوانین قبلی رو عوض می‌کنه. جناب «جمع» عزیز هم از این نوازش بی‌بهره نمونده. حالا چه باید کرد؟ قواعد جدیدی که به لطف ما آدما وارد مقوله «جمع» شده رو چه طور باید تدوین و تبیین و تشریح و تنظیم (و باقی کلمات بر وزن تعییل!) کرد؟ به مدد علمی که به همین آدما مربوطه، علوم انسانی، جامعه‌شناسی پس این کتابو جدی‌تر بخون. تو به عنوان یک عالم علوم انسانی رو، باید جامعه رو خوب بشناسی، تحلیلش کنی و برای بهتر شدنش راهکارهای درخشنان ارائه بدی. منم این جا باید از یه جمع تلاشگر و باصفا تشکر کنم: مؤلفای حرفه‌ای و کاردستی‌مون خانم‌ها صالح‌نژاد و نعمتی که از جون و دل مایه گذاشتند، بچه‌های واحد تألیف‌مون خانم‌ها طاهری و آرani و آقای سید سعید احمدپور و هم‌چنین از عزیزان‌مون تو واحد تولید که همه دست‌به‌دست هم دادن تا کتاب به بهترین شکل ممکن چاپ بشه.

مقدمه مؤلفان

پیش از آن که بالا رفتن از نردهای موقوفیت را آغاز کنید، مطمئن شوید که نردهای را به ساختمان مناسبی تکیه داده‌اید. در هر مرحله‌ای از زندگی برای نیل به اهداف خود، نیاز به انگیزه، تلاش و پشتکار داریم. یکی از بزرگان جمله زیبایی داره با این مضمون که انگیزه مانند آتشیه در درون خود فرد. اگر فرد دیگری بخواهد این آتش را درون شما روشن کنه، شانس کمی برای شعله‌ورکردن اون داره. افراد بالانگیزه موقع مواجهه با مشکلات و شکست‌ها، توقف نمی‌کنن و اجازه نمی‌دن محدودیت‌ها و کمبودها مانع رسیدن اونا به اهدافشون بشه. پس شرط اولین قدم اینه که انگیزه کافی برای درس خوندن داشته باشین. یادگیری مداوم هم حداقل شرط لازم برای موقوفیت در هر زمینه‌ایه استمرار در مطالعه و یادگیری، مطالب رو ملکه ذهن شما می‌کنه و اضطراب و استرس شب‌های امتحان و کنکور رو از شما دور می‌کنه. البته می‌دونین که یادگیری (نه حفظ کردن مطالب) نیاز به تلاش و پشتکار مداوم داره.

امسال برای شما از نظر تحصیلی، سال سرنوشت‌سازیه. در انتظار نتیجه ۱۲ سال مدرسه رفتن، امدن و آموختن و امتحان دادن هستین. اولین توصیه در زمینه کسب نتیجه خوب اینه که کتابای درسی‌تون رو کامل و با دقت بخونین و در کنارش از کتابای کمک‌درسی استفاده کنین، نه برعکس. ما هم سعی کردیم تو این کتاب نردهای موقوفیت شما باشیم.

توصیه می‌کنم همه بخش‌های کتاب، یعنی درس‌نامه، تست و پاسخ رو بخونی و موقع رسیدن به هیچ بخشی گزینه skip رو انتخاب نکنی! درس‌نامه‌ها کامل و جامع نوشته شدن، یعنی هیچ مطلبی از کتاب درسی که قابلیت طرح سؤال داشته باشه، از قلم نیفتاده باور نداری؟! پیدا کن، جایزه بگیر! هر جا مطلب کتاب درسی مبهم بوده، توضیح بیشتری برای فهم مطلب ارائه شده و گاه این توضیحات با زیون خودمونی گفته شده تا بهتر توی ذهن‌تاشینه! هر جا هم لازم بوده مثال‌هایی خارج از کتاب درسی (البته نه خیلی هم خارج)، ذکر شده تا به ابعاد گستردگی از موضوع توجه کنی! کتاب درسی جدول و نمودار زیادی نداره، اما توی این کتاب تا دلت بخواه جدول و نمودار هست؛ چون هر چی مطالب رو با طبقه‌بندی بیشتری به ذهن‌تاشینه! بهتر می‌تونی اونا رو به یاد بیاری! از درس‌نامه که بگذریم، تست‌هایی توی این کتاب هست که با تست‌های کنکور مو نمی‌زنن! کاملاً مشابه و هم‌جنس! واسه هر طیف از دانش‌آموزا هم تست وجود داره؛ از دانش‌آموزی که تصمیم داره فقط تست‌های ساده کنکور رو پاسخ بده تا دانش‌آموزی که به کم‌تر از پاسخ دادن صدرصدی به تست‌های جامعه‌شناسی کنکور راضی نمی‌شه! خیلی از تست‌ها هم دام و تله داره واسه این که از خلال اونا نکته‌های تست‌زنی جدیدی یاد بگیری، پس نمی‌گم بپا توی تله نیفتی، چون تا نیفتی، مطلب جدید یاد نمی‌گیری! این جاست که پاسخ‌های تشریحی می‌تونه کلی بہت کمک کنه! پاسخ‌های تشریحی رو نه فقط به چشم پاسخ، بلکه به چشم یه جمع‌بندی و مرور سریع هم نگاه کن و ازشون ساده نگذر! پاسخ یکی دوتا درس رو که بخونی و بینی چه قدر کامله، متوجه منظورم می‌شی!

دیگه عرایض بنده تمام شد و می‌تونی از شنبه شروع کنی!

فهرست

۸۴	جهان دوقطبی	درس ۹
۸۷	جنگ‌ها و تقابل‌های جهانی	درس ۱۰
۹۱	بحران‌های اقتصادی و زیست‌محیطی	درس ۱۱
۹۳	بحران‌های معرفتی و معنوی	درس ۱۲
۹۶	سرآغاز بیداری اسلامی	درس ۱۳
۹۹	انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطف بیداری اسلامی	درس ۱۴
۱۰۲	افق بیداری اسلامی	درس ۱۵

درس نامه جامعه‌شناسی دوازدهم

۱۰۹	ذخیره دانشی	درس ۱
۱۱۳	علوم اجتماعی	درس ۲
۱۱۷	نظم اجتماعی	درس ۳
۱۲۲	کنش اجتماعی	درس ۴
۱۲۶	معنای زندگی	درس ۵
۱۳۰	قدرت اجتماعی	درس ۶
۱۳۸	نابرابری اجتماعی	درس ۷
۱۴۶	سیاست هوتی	درس ۸
۱۵۲	پیشینهٔ علوم اجتماعی در جهان اسلام	درس ۹
۱۵۷	افق علوم اجتماعی در جهان اسلام	درس ۱۰

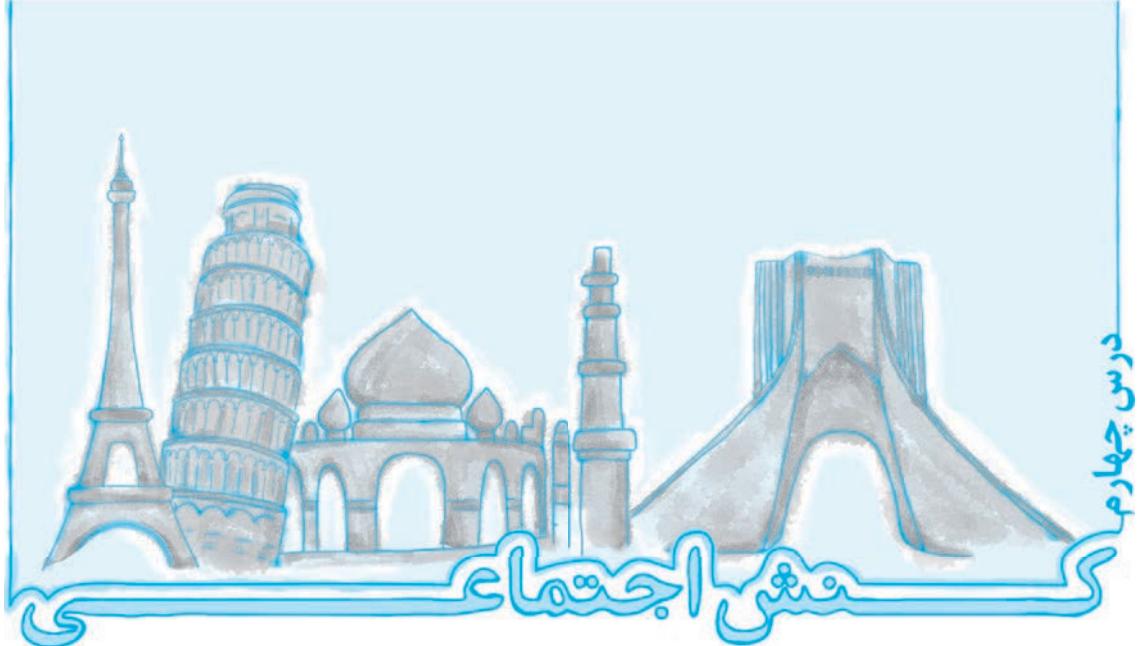
۱۶۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای دهم	
۲۱۵	پرسش‌های چهارگزینه‌ای یازدهم	
۲۷۹	پرسش‌های چهارگزینه‌ای دوازدهم	
۳۱۸	آزمون‌های جامع	
۳۶۰	پاسخ‌نامهٔ تشریحی	
۴۴۷	پاسخ‌نامهٔ کلیدی	

درس نامه جامعه‌شناسی دهم

۸	کنش‌های ما	درس ۱
۱۰	پدیده‌های اجتماعی	درس ۲
۱۳	جهان اجتماعی	درس ۳
۱۶	اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی	درس ۴
۲۰	جهان‌های اجتماعی	درس ۵
۲۳	پیامدهای جهان اجتماعی	درس ۶
۲۷	ارزیابی جهان‌های اجتماعی	درس ۷
۳۰	هویت	درس ۸
۳۴	بازتولید هویت اجتماعی	درس ۹
۳۷	تعییرات هویت اجتماعی	درس ۱۰
۴۰	تحولات هویتی جهان اجتماعی «علل درونی»	درس ۱۱
۴۳	تحولات هویتی جهان اجتماعی «علل بیرونی»	درس ۱۲
۴۶	هویت ایرانی (۱) «هویت فرهنگی ایرانی»	درس ۱۳
-	هویت ایرانی (۲) «درس آزاد»	درس ۱۴
۴۸	هویت ایرانی (۳) «هویت سیاسی ایران»	درس ۱۵
۵۳	هویت ایرانی (۴) «هویت جمعیتی و اقتصادی ایران»	درس ۱۶

درس نامه جامعه‌شناسی یازدهم

۵۹	جهان فرهنگی	درس ۱
۶۱	فرهنگ جهانی	درس ۲
۶۴	نمونه‌های فرهنگ جهانی (۱)	درس ۳
۶۷	نمونه‌های فرهنگ جهانی (۲)	درس ۴
۷۰	باورها و ارزش‌های بنیادین فرهنگ غرب	درس ۵
۷۳	چگونگی تکوین فرهنگ معاصر غرب	درس ۶
۷۷	جامعهٔ جهانی	درس ۷
۸۰	تحولات نظام جهانی	درس ۸



قبل از هر چیز، یه مثال تاریخی درباره مقاومت مردم عراق در برابر همله داعش می‌فونیم و بعد آن فورت می‌فهمی که ریطشن به با معهشتاسی و این درس پهیه! اواخر سال ۱۳۹۲، داعش ظرف یک روز موصول (مرکز استان نینوا در عراق) را اشغال کرد و آن را به عنوان پایتخت حکومت خود معرفی نمود. سپس با ارتضی حدود ۲۰۰ هزار نفر به سوی استان صلاح الدین هجوم برد و در مدت کوتاهی آن را نیز تصرف کرد. داعش در تدارک جشن پیروزی بود که خبر رسید یکی از شهرهای کوچک این استان به نام «آمرلی» با ۲۰ هزار نفر جمعیت، در برابر داعش داشتند با تکیه بر ظرفیت‌های بومی و فرهنگی خود و برخلاف نظم و نظریات معمول، در برابر ۲۰۰ هزار داعشی بایستند. مردم آمرلی، با کمترین نیرو و امکانات نظامی، ۸۰ روز مقاومت کردند تا این که گروههای مقاومت عراق خود را به این شهر رساندند و حصر آمرلی شکسته شد.

نکته الگوی مقاومت آمرلی، نظامی نبود، بلکه کاملاً فرهنگی بود؛ زیرا مردمان این شهر، گرچه سرباز نبودند، ولی متعهد بودند. انتشار خبر پیروزی آمرلی برای داعش بسیار گران تمام شد؛ زیرا دیگر شهرهای عراق نیز با همین الگو، در برابر داعش بایستند و سه سال بعد موصل آزاد شد. از مثال بالا می‌فهمیم که دو نوع مبارزه داریم:

مبارزه نظامی (جنگ منظم) هموان که سربازهای مببور (نه داوطلب) انها می‌دن و از نظم مشخصی پیروی می‌کند.

جنگ‌های نامنظم^۱ مبتنی بر آگاهی فرهنگی و جغرافیایی سربازان داوطلب محلی یک منطقه است.

در جنگ‌های نامنظم، سربازان داوطلب محلی

قادرند در موقعیت بومی خود، با امکانات محدود حتی در برابر تهاجم یک ارتش بزرگ نیز مقاومت کنند. (مشون گرم!)

به جای اجرای نقشه‌های از پیش برنامه‌ریزی شده، متناسب با موقعیت خاص جغرافیایی و فرهنگی خود، عمل می‌کنند.

به خاطر انگیزه‌های اخلاقی و آرمان‌های معنوی خود، توانی فراتر از نظم موجود به دست می‌آورند.

پس تفاوت بینگ نامنظم با مبارزه نظامی در اینه که،

مبارزه نظامی از نظم متداول و موجود پیروی می‌کند.

جنگ نامنظم از نظم ظاهری متداول فراتر می‌رود و با ارزش‌ها و معانی پیوند می‌خورد.

علی‌المساب تا اینجا رو داشته باش؛ بعدها دوباره بوش برمی‌گردیم!

کنش اجتماعی: خشت بنای جامعه^۲

آموختیم که در هر جامعه، نظم و مناسباتی وجود دارد که حاکم بر افراد است و به عملکرد و اقدامات اعضای جامعه شکل می‌دهد.

پرسش میزان تسلط و تعیین‌کنندگی نظم و مناسبات اجتماعی تا کجاست؟ آیا ساختارهای اجتماعی، کاملاً مسلط بر انسان‌ها هستند و سرنوشت آن‌ها را تعیین می‌کنند؟

پاسخ در اینجا دو دیدگاه مطرح می‌شود:

سرنوشت انسان‌ها توسط ساختارهای اجتماعی تعیین می‌شود و افراد فاقد هر گونه قدرت مقاومت در برابر مناسبات اجتماعی و **دیدگاه اول** ایجاد تغییر در آن‌ها هستند.

دیدگاه دوم انسان‌ها عضوی از جامعه هستند و با کنش‌های اجتماعی خود می‌توانند در حفظ وضع موجود یا تغییر آن اثرگذار باشند.

چون ما دیدگاه اول رو قبول نداریم، می‌ذاریمش لئنار و در ادامه دیدگاه دوم رو بیشتر توضیح می‌دیم!

کنش اجتماعی، خشت بنای جامعه است و تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان، با کنش‌های اجتماعی پدید می‌آیند.

ساختارهای اجتماعی، هر چقدر هم جافتاده و باسابقه باشند، با کنش‌های افراد به وجود آمدند و برقرارند.

۱- نخستین بار، شهید مصطفی چمران، اصطلاح «جنگ‌های نامنظم» را به کار برد و روش‌های ویژه‌ای را برای آن ابداع کرد.

مثال ۱ یک واردکننده لوازم خانگی، سروکار زیادی با اداره‌هایی مانند گمرک و دارایی دارد و تلاش می‌کند تا کار خود را در این اداره‌ها به ساده‌ترین و سریع‌ترین شکل ممکن، پیش برد. بنابراین با برخی مسئولان و کارکنان این اداره‌ها، روابط دولتی برقرار کرده و گاهی به آن‌ها هدایای چشمگیری می‌دهد. (مدیونی‌گله فکر کنی منظور رشوه و زیرمیزی! فقط یه هدیه تاقبله!) البته او خود نیز از این امر رضایت چندانی ندارد، اما آن را تنها راه پیشبرد کارهایش می‌داند (یعنی نه این‌که وجدان نداشته باشه‌ها؛ ولی ترهیج می‌ده زیاد بیدارش کنه!؛ چرا که به نظر او کار در نظام اداری کشور فقط با پرداخت رشوه و برقراری رابطه انجام می‌شود).

مثال ۲ منزل کارمند باسابقه یکی از ادارات دولتی شهر تهران تا اداره محل کارش فاصله زیادی دارد و اگرچه او می‌تواند با مترو یا اتوبوس تندرو به محل کار برود، اما اغلب ترجیح می‌دهد از ماشین شخصی خود استفاده کند، چون تحمل معطلي و شلوغی را ندارد. او از ترافیک سنگین خیابان‌ها و آلدگی‌ها گله دارد و معتقد است مسئولان به درستی به وظایف خود عمل نمی‌کنند و برای همین، این مشکلات سال‌هاست که حل نشده باقی مانده‌اند. (البته به نظر من که بی‌فود شایه! فودش یکی از عوامل اصلی هن نشن این مشکله! هم فودش و هم همه اوتایی که مثل اون فکر می‌کنن و ماشین تک سرنیشین میارن توی فیابون! البته مسئول هم مقصبه‌نها؛ پون به اندازه‌لایفی هریمه‌شون نمی‌کنن!)

همتاً می‌پرسی از دوستان بالا قراره چه نتیجه‌ای بگیریم؟ این نتیجه رو:

نظام اداری کشور ما، فرسته‌ها و محدودیت‌هایی برای کنشگران ایجاد می‌کند و نارسایی‌ها و آسیب‌هایی نیز دارد؛ اما باید توجه داشت که این نظام اداری، محصول کنش‌های مدیران، کارکنان، قانون‌گذاران و مراجعت است.

یعنی این نظام اداری رو ما آدم‌با رفتارها و کنش‌های فودمون به وجوه میاریم و آگه کنش‌های ما نباشه، نظام اداری هم در کار نفواده بود! اما وقتی این نظام به وجوه او مدد، دیگه مستقل از ما واسه فودش یه هویت پیدا می‌کنه که وابسته به اراده تک تک ما نیست! مثلاً درسته که من توی ایجاد اون یه سومی داشتم، اما آگه الان اراده کنم، به تهایی نمی‌تونم از بین بیرون! هر پند هر کدو از ما می‌توینم توی تغییر اون نقش داشته باشم! روشنه؟!

حالا با این توضیه‌ها، می‌بینیم هر کدو از این آقایون تا بهر و کارمند در تغییر ساختارهای اجتماعی، چه نقشی می‌تونن داشته باشن؟!

مثال ۳ آقای تاجر واردکننده لوازم خانگی، به عنوان یک واردکننده کالا یا پرداخت‌کننده مالیات، فردی بیرون از این نظام اداری نیست، بلکه خود عضوی از آن است و با اقدامات و کش‌های خود می‌تواند:

در تداوم و ثبت نظام اداری موجود نقش داشته باشد. اگر به برقراری روابط دولتی با کارمندان گمرک و پرداخت رشوه ادامه دهد.

موجب تغییر و تحول در نظام اداری شود. اگر از پرداخت رشوه برای پیشبرد کار خود منصرف شود و دیگران را نیز به این امر تشویق کند.^۱

مثال ۴ آقای کارمند نیز با استفاده از ماشین شخصی خود در تداوم ترافیک شهری و آلدگی‌ها گله سهیم است و اگر از وسائل حمل و نقل عمومی استفاده کند، می‌تواند در حل این مشکلات مؤثر باشد.

نتیجه مثال‌های فوق نشان می‌دهند که مشکلات و مسائل اجتماعی، بیرون از دایره نفوذ و تأثیر ما نیستند و این‌گونه نیست که فقط افراد خاصی (مانند مسئولان و مدیران) بتوانند بر آن‌ها تأثیر بگذارند.^۲

نکته همه ما – به عنوان عضوی از جامعه – با کنش‌های اجتماعی خود در حفظ وضع موجود یا تغییر آن اثرگذار هستیم. البته این امر بدان معنا نیست که میزان تأثیرگذاری همه افراد یکسان است. (یعنی صاحبان برفعی مشاغل و مسئولیت‌ها، اثرگذاری پیشتری نسبت به سایرین دارند؛ مثلاً مثل روز روشنه که من به اندازه وزیر دادگستری نمی‌تونم به هل مشکل خساد اداری کمک کنم با توبه اندازه رئیس پلیس پلیس تهران نمی‌تونی مشکل ترافیک رو حل کنی!)

بلکه قادرند با توجه به ارزش‌ها و آرمان‌های خود، نظام اجتماعی را تغییر دهنده و از مشکلات احتمالی ساختارهای اجتماعی بگاهند.

به هر میزان که این ارزش‌ها و آرمان‌ها والاتر و انگیزه‌ها قوی‌تر باشد، تغییرات مهم‌تری رقم خواهد خورد.

یعنی ممکن است تاجر (در مثال ۱)، مشکلات زیادی را تحمل کند، اما در راستای حفظ منافع اقتصادی خود، انگیزه زیادی برای تغییر وضع موجود نداشته باشد یا کارمند (در مثال ۲)، ممکن است با مشکلات شهری متعددی مواجه باشد، اما برای حل آن‌ها هیچ اقدامی نکند. در مقابل، ممکن است عموم مردم چنان انگیزه‌ای پیدا کنند که آغازگر حل یک بحران جهانی شوند، آن‌گونه که مقاومت مردم آمریکی سرآغاز فروپاشی حکومت خودخواه داعش شد و این پنین است که اون مثال داعشی اول درس، به مباحث پامعه‌شناختی مطرح شده در این پاره پیدا می‌کنه! بالب بود؛ نه؟!



در دهه ۱۹۸۰، حجاب در مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات دولتی ترکیه ممنوع اعلام شد. دانشجویان ترکیه، پویشی علیه این قانون به راه انداختند و شکایت خود را به دادگاه‌های ترکیه برند.

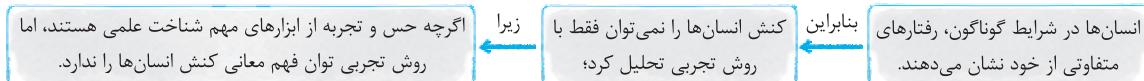
حکومت ترکیه با تأیید نفوذ اسلام در جامعه و با هدف ایجاد نوعی مذهب که مورد تأیید حکومت باشد و اصول سکولار را تهدید نکند، مدارس امام خطیب را بنا کرد، اما از سال ۱۹۷۰ این مدارس به پناهگاهی برای اسلام‌گراها تبدیل شدند.

۱- پس بنار همین‌ها منظور از فرسته و محدودیت رو هم برات گلم؛ توی نظام اداری فاسد که فرد باید رشوه بده تا کارش راه بیفته، رشوه دارن یه فرسته واسه اون‌که رشوه می‌دن و یه محدودیته واسه اون‌که اهلش نیستن! اما هالا آگه همین فردی که رشوه می‌ده، توبه‌کنه و تهمیم بگیره دیگه رشوه نده، کارش پیش نمی‌رده و فب این واسش یه محدودیته، اما آگه دیگران و هم تشویق کنه که اونا هم رشوه ندن، کم‌کم مکنه خساد توی اون اداره از بین بره و این فودش می‌شه یه فرسته هدیه که اون کارش بدون رشوه پیش می‌رده؛ می‌بینی فرسته‌ها و محدودیت‌ها مثلاً دونه‌های زنگی‌په قدر به هم وابسته هستن؟!

۲- القهقهه! عصف از طرح اون دوستان (یعنی آقایون تا بهر و کارمند). این بود که بگیم دیگله دو مدریارة نقش نظم و مناسبات اجتماعی در تعیین سرنوشت آدم‌درسته؛ یعنی فود آدم‌هه توی اتفاقاتی که در هامعه برآشون می‌گفته سویم هستن و ساختارهای اجتماعی به صورت هبری روی زنگی آدم‌ها اثر نمی‌دارن!

پیامدهای نادیده‌گرفتن کنش اجتماعی

تا حالا تکریر کردی پراهمه آب‌های دنیا همیشه توی صدر به پوش میان، اما ما آدما نقطه پوش متفاوتی داریم؟ مثلاً یکی زود پوش میاره و زود عصبانی می‌شه، اما یکی فیلی صبور و بی‌فیله و دنیا رو آب بیره، اون رو فواب می‌بره؟! دلیش یه تفاوت موم آدما با اشیا و سایر پدیده‌های طبیعی!
انسان‌ها، برخلاف پدیده‌های طبیعی، آگاهانه عمل می‌کنند و عملشان معنادار است؛ یعنی:



مثال فرض کنید بحث شما با دوستان بالا بگیرد؛ او عصبانی شده و می‌خواهد با شما در گیر شود. شما در چنین موقعیتی چه انتخاب‌هایی دارید؟ می‌توانید لبخندی به دوستان بزنید، محیط را ترک کنید یا خود را سرگرم کار دیگری نمایید؛ با دوست دیگری گفت و گو کنید، از گفتشان کتابی بیرون بیاورید و مشغول مطالعه شوید، به موبایلتان نگاهی بیندازید، به کنار پنجره رفته و خود را به بی‌خیالی بزنید و البته می‌توانید با او در گیر شده و حتی به زد و خورد بپردازید. این آفری رو من یکی توصیه نمی‌کنم! اما گلته موم اینه که هر کلمه از این گزینه‌ها رو که انتقام کنی و هر رفتاری که از فودت بروز بدی، یه معنای قاص داره که با روشن هسی و تبریز نمی‌شه اونو فهمید!

همه انتخاب‌هایی که در موقعیت‌های مختلف، پیش روی شما قرار دارد، کنش اجتماعی محسوب می‌شوند؛ یعنی فعالیت معناداری که با توجه به دیگری انجام می‌شود.

در انتخاب نوع رفتار (کنش اجتماعی) باید پیامدهای آن را نیز در نظر گرفت. (مثلاً آله گزینه‌گلایه‌بزدن و زد و خورد رو انتقام کنی، اگر که فربزه فوری و باشد پایی لرز اون که رفتار به ادگاه و میازات شدن هم بشینی!)

نکته گفتم که عمل انسان، آگاهانه و معنادار است؛ اما رویکرد تبیینی با تمرکز بر آن‌چه مشاهده می‌شود، اغلب «معنای» کنش و آن‌چه درون انسان می‌گذرد را نادیده می‌گیرد.

حالا باید بریم کشف کنیم که این نادیده‌گرفتن کنش په پیامدهایی برای زندگی اجتماعی انسان داره؟!
براساس تعریف کنش،^۱ سه پیامد نادیده‌گرفتن کنش اجتماعی عبارت‌اند از: (اول فودمونیش رو می‌گم بعد می‌ریم سراغ بعث علمیش!)

رکود اراده‌ها وقتی اراده انسان که یکی از پایه‌های اساسی کنش، نادیده‌گرفته بشد، دیگه فلاقتی برآکسی می‌مونه؟ نه والا!

هر کنشی یه هدفی داره و هدف بعضی کنش‌ها، ارزش‌ها و فضیلت‌های افلاقیه؛ مثلاً خاکاری، مهربونی و ...؛ حالا آله هدف‌داربودن کنش انکار بشه، دیگه افق و فضیلت‌های افلاقی، بار و بندیلشون رو می‌بندن و از یامه می‌رن!	سقوط ارزش‌ها
---	--------------

معناداربودن یکی دیگه از ویرگی‌های کنش، حالا آله بگیم کنش‌ها معنا ندارن؛ یعنی رفتارها فقط اون پیزی هستن که ما می‌بینیم و معنایی پشتبه‌شون نیست، اون وقت نمی‌تونیم بفهمیم پرا هر فردی به یه شکل قاص و متفاوت از دیگران رفتار می‌کنه!	افول معانی
--	------------

یه ویرگی دیگه کنش، آله‌هانه بودن که ممکنه برای سوال باشه پرا توی بدول بالا نمی‌بینیش! پون آله‌هانه بودن، ارتباط فیلی نزدیکی به معناداربودن داره، همون پیزی که درباره معناداری فوایدیم گفت، می‌تونه درباره آله‌هی زدایی هم صادرق باشه!

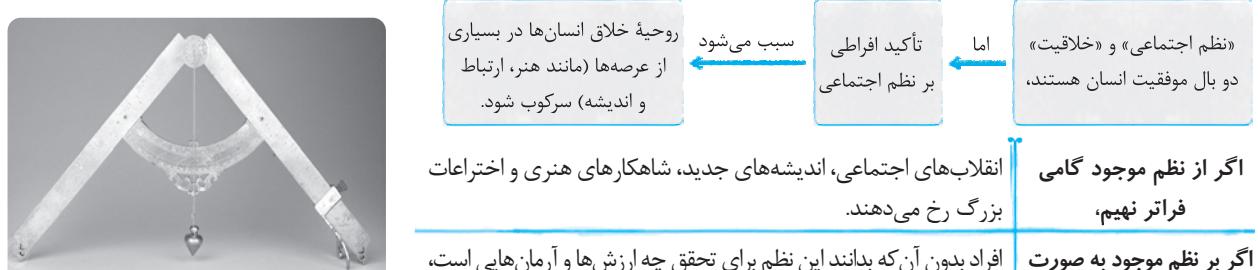
رکود اراده‌ها

کنش اجتماعی، ارادی است؛ اما جامعه‌شناسی تبیینی، اراده و خلاقیت انسان‌ها را نادیده می‌گیرد؛ از طریق:

الف تأکید بیش از اندازه بر نظم اجتماعی
یکسان‌انگاشتن نظم اجتماعی با نظم طبیعی

۱ به تدریج سبب می‌شود افراد بدون آن که بدانند این نظم برای تحقق چه آرمان‌ها و ارزش‌هایی است، آن را رعایت کنند.

۲ موجب سرکوب روحیه خلاق انسان‌ها در بسیاری عرصه‌ها مانند هنر، ارتباط و اندیشه می‌شود.



افراد بدون آن که بدانند این نظم برای تحقق چه ارزش‌ها و آرمان‌هایی است، آن را رعایت می‌کنند. (به این می‌گلن تقلیدکار، اونه که هیچ ارزش و فایده‌ای نداره!)
نکته ماکس ویر از سلطه چنین نظمی (همون نظم افزایی!) که گویا هدفی جدا از انسان‌ها و نیازهای واقعی آن‌ها دارد، به «تفس آنهین» تعبیر می‌کند.

۱- آله بادست باشه توی درس اول جامعه‌شناسی دهم فوندیم که همه اقدامات انسان (هزف‌حالیت‌های فیزیولوژیک بدن)، کنش محسوب می‌شون؛ که آله ویرگی دارن؛ (۱) آله‌هانه بودن، (۲) ارادی بودن، (۳) هدف‌داربودن.
۲- معناداربودن! و توی درس دوم همون کتاب هم فوندیم همه اون کنش‌هایی که انسان در اینه با دیگران اینها می‌ده (یعنی فقط به فود آدم ربط نداره و تاظرف به بقیه هم هست)، کنش اجتماعی «نمایم» دارن!

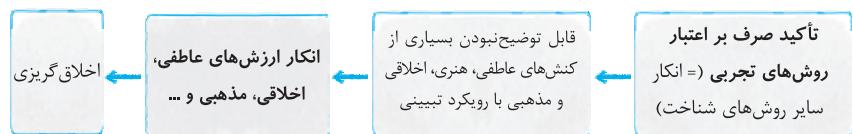
سقوط ارزش‌ها



کنش اجتماعی، هدفدار است؛ برخی اهداف کنشگران (مانند کسب درآمد، ساختن خانه و ...) قابل مشاهده‌اند، ولی انسان‌ها اغلب در کنش‌هایشان به دنبال تحقق اهداف و ارزش‌هایی (مانند کسب فضیلت‌های اخلاقی، جلب رضایت الهی و ...) هستند که دیگران نمی‌توانند آن‌ها را مشاهده کنند. (مثلاً هری توی عالم فارج و پسر نزدیک که با دست نشون بدم و بگم این فکاریه یا مثلاً اونو بیین مهریونیه! بلکه این ارزش‌ها را از روی نشوونه‌ها و آثارشون تویی رفتار آدم‌ام شد رک کرد و فهمید!)

در جامعه‌شناسی تبیینی، ارزش بودن مهریانی، فداکاری و ... یا ضدارش بودن کینه‌توزی، خودخواهی و ... قابل مشاهده و فهم نیست؛ زیرا با استفاده از روش‌های تجربی نمی‌توان گفت مهریانی یک فضیلت اخلاقی و کینه‌توزی یک ردیل اخلاقی است.

اندازه‌گیری اجزای بدن در ایام جنگ جهانی دوم برای تعیین این که چه کسی از نزد برتر بخوردار است و برگزاری جشنواره‌های زیبایی در روزگار ما، نشان‌دهنده تأکید افرادی بر امور قابل مشاهده‌اند.



مثال بزرگ‌ترین کشتار جهان در جنگ‌های اول و دوم میان توسعه‌یافته‌ترین کشورها رخ داد و با فجیع‌ترین کشتار تاریخ بشر در هیروشیما و ناکازاکی پایان یافت. دلیش هم این بود که با انقلاب صنعتی و تأکید زیاد بر روش‌های تبریزی و این‌که هر چیزی را بشنید و هر چیزی را با روش تبریزی نشه فهمید (مثل افلاقیات!). باید کنار گذاشت و باهاشون فداه‌فظی کرد؛ اخلاقی و فضیلت‌های اخلاقی مثل صلح و دوستی به کلی رفت توی گنه و فراموش شد و دیگه هر کشوری فقط به منافع خودش فکر می‌کرد!

نکته پیشرفت‌های چشمگیر جهان غرب در حوزهٔ صنعت و فضا به گستردگه‌تر و عمیق‌تر شدن فجایع انسانی و زیست‌محیطی منجر شده است؛ مثلاً آگه آمار کشته‌های بین‌المللی معمول به ایران مقایسه کنی، می‌بینی پیشرفت علم و صنعت په قدر به تابودی بیشتر انسان‌ها کمک کرده! پون توی فمه‌لۀ معمول و پهگ تون به تن، هر سیزۀ معمول می‌توانست هر آکثر هریف ۵-۶ نفر باشد، اما یه بدب اتم به تنهایی می‌توانه یه شهر رو با فاکیساشان کنه!

افول معانی

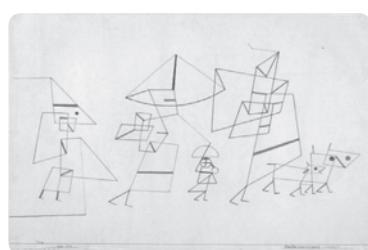
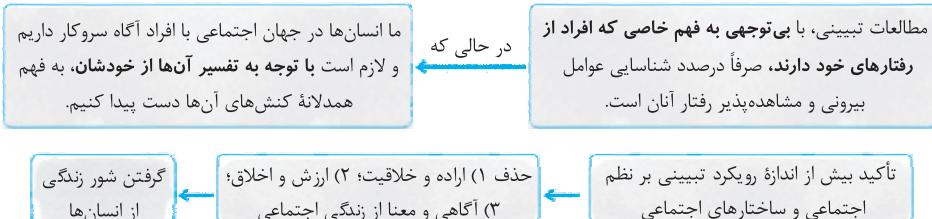
کنش اجتماعی، آگاهانه و معنادار است. نادیده‌گرفتن معنای کنش، سبب شده تا بیشتر مطالعات تبیینی، به توصیف خصوصیات و رفتارهای قابل مشاهده‌ما محدود شود.

یه مثلاً برای فهم بوتر مطلب!

مطالعات تبیینی نشان داده‌اند که میان عواملی مانند میزان پرخاشگری، هیجان، خواب، تأهل و تحصیلات، با اعتماد به اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای، رابطه وجود دارد. مشون هم گرم! اما این فقط بیان یه رابطه همبستگی‌که از روی مشاهده رفتار آدم‌ام به دست اومده! مثلاً دیده شده او تابی که به اینترنت اعتماد دارن، بیشتر از بقیه عصبانی می‌شن! اما آیا این همبستگی می‌توانه رابطه علت و معلولی رو هم نشون بده و مثلاً بله اعتماد به اینترنت علت اصلی پرفاشگریه یا بر عکس، پرفاشگری علت اعتماد به اینترنته؟!! معلومه که فیر، پون:

اگر تفسیرهای جوانان و نوجوانان را در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که عامل اصلی گرایش آن‌ها به اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای، معنای استفاده از این ابزار است. بیشتر جوانان و نوجوانان، استفاده هر چه بیشتر از آن‌ها را به روز بودن، سرگرمی، هیجان، آزادی و توانایی معنا می‌کنند. این قبیل معانی و انگیزه‌ها، عوامل اصلی حضور افرادی جوانان و نوجوانان در فضاهای مجازی است. اما برای فهم این معانی نمی‌توان از روش‌های تجربی استفاده کرد، بلکه باید هم‌دانه با جوانان همراه شد تا مسائل زندگی و آرزوهای آن‌ها را درک کرد و به آنان باری رساند.

نکته همراهی هم‌دانه به معنای تأیید کنشگران نیست، بلکه به معنای نگاه به مسائل آن‌ها از منظر خودشان و تلاش برای فهم آن‌هاست.



گردش خانوادگی اثر پاول کله. به گفته او در ورای ابهام، رمز و رازی نهفته است که با هنر می‌توان به آن راه یافت. نقاشی‌ها، تفاسیر عمیقی با خود دارند و چیزی که در ظاهر به نظر می‌رسند، نیستند. شکل‌ها و رنگ‌ها به واقعیتی مشخص بیرون از ذهن اشاره ندارند.

-1- فضای مجازی واجد معنای «به روز بودن» است، ولی سبب می‌شود که فرد کاربر از زمان و مکان خودش جدا شود و با وجود دسترسی به مطالب زیاد و متنوع، از دسترسی به مطالب مهم دیگر محروم گردد، با وجود آزادی و قدرت، تحت کنترل قرار گیرد و با وجود سرگرم شدن، سطحی شود.